**درس فارسی**

در مدارس ما بدرس فارسی کمتر اهمیتی داده نمیشود.متعلمین از بیم آنکه‏ مردود شوند غالبا و معمولا خود را در فراگرفتن مواد دیگر بکار میبرند چه‏ بتجربه دریافته‏اند که در درس فارسی چنان بیمی نیست و بهر صورت که باشد نمره‏ای‏ قابل قبول خواهند گرفت.

ممکن است محصلی برای یک نمره که در ریاضیات کم آورده باشد دو سه سال‏ متوالی در کلاسی بماند،یا اگر در طبیعیات و زبان خارجی ضعیف باشد مردود شود، امّا خیلی کم اتفاق می‏افتد که شاگردی بعلّت ندانستن فارسی از ارتقاء بازماند؛و چه‏ بسا برای اینکه معدل نمرات محصل بحد نصاب برسد و مشمول ارفاق شود بی‏اینکه‏ بنمره‏های دیگر موادی که امتحان داده بنگرد بنمرهء انشاء فارسی او می‏افزایند، زیرا هیچ درسی بی‏قدر و قیمت‏تر از انشاء فارسی شناخته نشده و بهانه‏اشان هم اینست‏ که انشاء فارسی مقیاس صحیحی ندارد و درسی است نظری.اگر آمار محصلینی که‏ در هر سال مردود می‏شوند بدقت تنظیم و سنجیده شود مشهود خواهد افتاد که از صد نفر فقط یکی دو تن از درس فارسی رد شده‏اند و بقیه از دروس دیگر.

خلاصه اینکه اولیای فرهنگ اهمیتی را که بدیگر دروس میدهند بدرس فارسی‏ نمی‏دهند،و احترام و عنوانی را که برای معلمین مواد دیگر قائل هستند برای معلمین‏ ادب فارسی قائل نیستند،و این بی‏لطفی همچنان سیر مراتب میکند تا بجائی که محصلین‏ عنایت و توجهی را که باستادان ادبیات فارسی و بتحصیل فارسی باید داشته باشند ندارند و گمان می‏کنند که فارسی آسان‏ترین درسهاست در صورتی که براستی تدریس زبان‏ و ادب هر قوم،مخصوصا ادب فارسی از دیگر علوم بمراتب دشخوارتر است و فراگرفتن‏ آن نیز سخت‏تر.

قواعد علوم ریاضی و طبیعی و امثال آن مضبوط و مسلم است و در یاد دادن و یاد گرفتن آن باجتهادی چندان احتیاج نیست.در تمام دنیا دودوتا چهارتاست و در هر قضیهء هندسی،بهر زبان که تدریس شود،نتیجه یکی است.دشواری در آموختن‏ است.اما ادبیات را حدود و کرانی نیست.تخیلات و افکار ارباب ادب و ذوق در اقوام‏ مختلفه چندان وسیع و چندان متنوع است که در تعلیم و تعلم،هم ذوق و استعداد فطری لازم است و هم مطالعه و ممارست دائمی.

زبان فارسی را اشکالی دیگرست که قواعد آن هنوز بصحت و دقتی که سزاوار است تنظیم و تدوین نشده در صورتی که در قواعد و صرف و نحو زبانهای زندهء دیگر کتابها پرداخته‏اند ازاینرو معلم فارسی در فن خود باید متبحّر و مجتهد باشد و نکاتی را که‏ در طی سالها مطالعه و ممارست استنباط و یا از متون مستند استخراج کرده،با عبارات‏ و اشعاری که در کلاس درس مورد بحث است تطبیق کند،و صحیح را از سقیم باز نماید،و زیبائی و درستی هر جمله را باشباع تمام توضیح دهد،و با جملاتی همانند بسنجد و بکار بردن این روش،مخصوصا در فنّ انشاء فارسی،که آن را سهلترین مواد می‏شمارند، کمال ضرورت را دارد.

تعلیم انشاء فارسی آن نیست که معلّم موضوعی را طرح کند.محصلین از روی‏ روزنامه‏ها عباراتی ناجور و آمیخته و درهم و برهم بهم بپیوندند و در کلاس درس پشت‏ سر هم بخوانند،بی‏اینکه معلّم در هر جمله اظهار نظر کند و بمعایب آن انگشت گذارد.

همچنین لازم نیست که شاگردان بعنوان اینکه تکلیف درسی را انجام داده‏اند همگان همهء آنچه نوشته‏اند بخوانند،اگر معلّم نوشتهء یکی از آنها را در معرض‏ توجّه شاگردان بگذارد،و جمله بجمله تصحیح کند و ترتیب جمله‏بندی و عبارت‏پردازی‏ را نشان دهد بطوریکه همگان دریابند؛بمراتب مؤثرتر و مفیدتر است.وقتی یک جمله‏ بعبارت و ترکیب مختلف روی تختهء سیاه نموده شود،یعنی بجای هر کلمه‏ای که نامناسب‏ و نارسا می‏آید مترادفی خوش آهنگ‏تر و رساتر قرار گیرد محصلین،هم لغاتی بیشتر فرا می‏گیرند و هم بهترین آنها را بسلیقهء خود انتخاب می‏کنند.

عیب اصلی اینست که بر فرض اینکه معلمی وظیفه‏شناس و دقیق و علاقمند برای‏ افادت خود را مجهز و آماده کند،محصلین امروزی حاضر نیستند گوش دهند و چه بسا هنگامی که استاد ادبیات در این‏گونه تحقیقات فکر و زبان خود را خسته میکند شاگردان در اندیشهء حلّ مسائل ریاضی هستند یا نقاشی می‏کنند!

همین محصلین‏اند که وقتی بظاهر مراتب تحصیلی را پیمودند و شهادتنامهء عالی‏ گرفتند،بوسایلی که معمول است بکرسی استادی بر می‏شوند آنگاه است که اگر هم‏ بخواهند در فن خود کتابی تألیف یا ترجمه کنند چون فارسی نمی‏دانند از عهده‏ برنمی‏آیند و عباراتی نادرست و نامفهوم بکار می‏برند که نظایر آن را دیده‏ایم و می‏بینیم.

نکتهء دیگر اینکه بسیاری از جوانان ما پس از فراغ از تحصیل برای تکمیل‏ معلومات خود در فنون طب و مهندسی و غیره بممالک دیگر میروند و،باری،امیدی‏ هست که در رفع نقائص و تکمیل فضائل بکوشند و مثلا طبیبی حاذق و مهندسی تمام‏ از کار درآیند امّا برای تکمیل ادب فارسی بکجا باید رفت؟یا از کدام کشور مستشار و معلّم طلبید؟این همه نکاتی است که مسئولین فرهنگ باید همواره در نظر داشته باشند که‏

سرِ چشمه شاید گرفتن ببیل‏ چه پر شد نشاید گذشتن بپیل